



میراحمدرضا مشرفپژوهشگر مسائل بین الملل

روابط جمهوری اسلامی ایران و هند طی سده‌ه اخیر مسیر بسیار پرفراز و نشیبی را سپری کرده است. زمانی این روابط در چنان سطحی قرار داشت که ایران یکی از بزرگ‌ترین منابع تأمین‌کننده انرژی هند به ششمار می‌آمد و دو کشور پروژه‌های بزرگ و بلندمدت همکاری اقتصادی همچون بندر چابهار را در صدر برنامه‌ریزی‌های خود قرار داده بودند.
باین حال این روابط در سایه برخی ملاحظات داخلی و بین‌المللی، به‌تدریج رو به افول گذاشت، خرید نفت ایران از جانب هند به نازل‌ترین سطح خود رسید و پروژه عظیم چابهار نیز با کندی و به‌شکلی کج‌دارومریز دنبال شد.
باین حال در ماه‌های اخیر نشانه‌هایی از تمایل دو کشور، به‌ویژه از جانب هند، برای گسترش روابط مشاهده شده است. افزایش قابل توجه رفت‌وآمد مقامات دو کشور، اظهارات مودی در نشست شانگهای در رابطه با سه رکن جدید سیاست منطقه‌ای هند، یعنی «امنیت»، «اتصال» و «فرصت» و نقش مهم بندر چابهار در دستیابی به دو محور اتصال و فرصت، خود می‌تواند بخشی از این نشانه‌ها تلقی شود؛ اما توجه دوباره هند به گسترش روابط با ایران را می‌توان با دو تحول مهم مرتبط دانست؛ در وهله اول اتفاقاتی که در روابط دهلی‌نو و واشنگتن پس از روی کار آمدن ترامپ رخ‌داده است، در این تغییر رویکرد هند نقش بسزایی ایفا کرده. سیاست خارجی هند برای چندین دهه بر بی‌طرفی و حفظ توازن در روابط شرق و غرب اتکا داشت؛ اما در بیش از یک دهه اخیر این توازن تا حدی به نفع روابط با آمریکا و غرب به‌هم‌خورده بود. مشارکت هند در پیمان‌های امنیت جمعی یا منطقه‌ای همچون «کواد» که آمریکا یک پای ثابت آن‌ها بود، بخشی از همین رویکرد محسوب می‌شد. این روابط به‌قدری گسترش یافت که حامیان حفظ سیاست عدم تعهد و توازن در روابط با شرق و غرب را در انزوا قرار داد. اما روی کار آمدن ترامپ و جنگ تعرفه‌ای که او علیه هند به راه انداخت، اعتماد دهلی‌نو نسبت به واشنگتن را سلب کرد.
این بی‌اعتمادی زمانی افزایش پیدا کرد که کاخ سفید واکنشی دوگانه در برابر اعمال تعرفه برای هند و چین نشان داد؛ بر خلاف هند که با سیاست‌های غیرقابل انعطاف واشنگتن مواجه شد، دولت ترامپ با چین کنار آمده و به توافق سریع و منعطف

مواجه

مسدودسازی راه مقاومت از آفریقا؟

سودان چگونه سودان شد

ادامه از صفحه یک

سوریه سقوط کرده و نظام سیاسی جدید آن در ضدیت با مقاومت قرار دارد؛ اما عواملی باعث شده همچنان یک مسیر اصلی باشد. نظام سیاسی جدید کنترل کاملی بر خاک خود ندارد، مقاومت به دلیل حضور طولانی مدت دارای ریشه‌هایی در این کشور است و از سوی دیگر ترکیه و عربستان پس از بمباران قطر توسط رژیم صهیونیستی احساس خطر کرده و فشارها بر مقاومت لبنان را کاسته‌اند.
ازاین‌رو تحت هر شرایطی انتقال سلاح جریان داشته است. در سودان روندی متفاوت طی شده است. طی دو دهه اخیر سودان تصمیم گرفت از محور مقاومت و ایران دور شده و به دولت‌های عربی حاشیه جنوبی خلیج‌فارس نزدیک شود.
نتیجه این تصمیم محدودکردن روابط با ایران و همراهی با عربستان در جنگ با یمن بود؛ طی این جنگ ده‌ها هزار مزدور سودانی به عربستان و یمن اعزام شدند. علی‌رغم این مسئله، سودانی‌ها در چهارچوب مناسبات فرقه‌ای، از دولت‌ها و گروه‌های مقاومتی پیورده دور شدند؛ اما به‌دلیل ارتباطات مذهبی و ایدئولوژیک با اخوان المسلمین و گر‌وه‌های جهادی سنی، ارتباطات خود را با قضیه فلسطین حفظ کردند.
با ناکامی در روند سازش با آمریکا و رژیم صهیونیستی و همچنین بروز اختلافات با امارات، دولت مرکزی سودان بار دیگر به محور مقاومت و ایران نزدیک شده است، گرچه سطح آن به میزان گذشته نیست.

۲- سودان پیش از تجزیه با ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار کیلومتر مربع وسعت، بزرگ‌ترین کشور مسلمان بود. این مسئله باعث شد تا در مرکز توطئه‌ها قرار گیرد و بحران در جنوب و غرب این کشور شکل گرفت.
گرچه پروژه غرب سودان زودتر آغاز شد و خون‌بارتر بود؛ اما جدایی جنوب سریع تر رخ داد. با استقلال جنوب در سال ۲۰۱۱، یک چهارم خاک، سه‌چهارم منابع نفتی و بخششی از حوزه رود نیل از دست رفت. جنوب سودان برخلاف شمال که اسلام رواج داشت، دارای ادیان قدیمی و مسیحی بود. در غرب نیز منازعات قبیله‌ی جدی وجود داشت که ریشه‌اش به اختلاف میان قبایل عربی با قبایل عرب غرب بازمی‌گشت.

اما حالا نیروهای واکنش سریع که از قبایل عربی غرب سودان تشکیل شده و به‌عنوان بازوی دولت مرکزی در این مناطق عمل می‌کرد، خودشورش کرده‌است. در چنین شرایطی سقوط نهایی غرب سودان محتمل بود و رخ داد. در این روند،

فرصت توسعهٔ روابط با هند



با چین دست یافت. از سوی دیگر گسترش روابط راهبردی میان آمریکا و پاکستان هم برای دهلی‌نو قابل تحمل نبود، به خصوص اصرار ترامپ در مورد نقش وی در توقف جنگ میان هند و پاکستان یا میانجی‌گری در مسئله کشمیر.
ماحصل همه این‌ها گرایش دوباره هند به روابط مبتنی بر عدم تعهد و حفظ توازن در روابط میان شرق و غرب بوده است؛ اما نکته دوم به تسدید تنش‌ها میان پاکستان و طالبان باز می‌گردد. این تنش‌ها که از زمان بازگشت طالبان به طور مدام در حال اوج‌گیری است، افغانستان و بسیاری از کشورهای آسیای میانه را متقاعد کرده که نمی‌توان در بلندمدت به یک مسیر ترانزیتی، مانند کریدور افغانستان و پاکستان متکی بود. از سوی دیگر جنگ در خاورمیانه نیز هند را از مسیرهای ترانزیتی جایگزین و پیشنهادی آمریکا مانند کریدور غرب – مدیترانه ناامید کرده؛ بنابراین شرایط دست‌به‌دست هم داده تا تمرکز افغانستان و کشورهای آسیای میانه و همچنین هند یکبار دیگر به‌سوی چابهار جلب شود. در این وضعیت فرصتی مغتنم برای جمهوری اسلامی به وجود آمده تا از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی حداکثر بهره‌رادر جهت گسترش روابط با هند برد. این موضوع درست است

مواجه



نیروهای واکنش سریع با سقوط عمرالبشیر به مناطق مرکزی سودان راپافته و پس از شورش مناطقی از خارطوم، پایتخت رانیز در دست گرفتند. ارتش سودان موفق شدن‌ها را در مناطق مرکزی و شمالی شکست دهد؛ اما ابرارسل سبل تسلیحات، آن‌ها تجدیدقوا کرده و در حال تثبیت متصرفات خود هستند. آن‌ها تقریباً بر ۶۰۰ الی ۷۰۰ هزار کیلومتر از خاک سودان مسلط شده و یک‌سوم وسعت کنونی این کشور را در اختیار گرفته‌اند. این عدد مشابه وسعت سودان جنوبی است.
نظام سیاسی سودان با تزلزلی که در اواخر دهه ۲۰۰۰ در برابر خواسته‌های غرب از خود نشان داد، باعث اذ دست‌رفتن نیمی از خاک خود شد. سودانی‌ها ابتدا به نشانه حسن‌نیت در برابر غرب جدایی سودان جنوبی را پذیرفته و چند سال بعد آمادگی خود برای پیوستن به پیمان صلح ابراهیم و سازش با رژیم صهیونیستی را اعلام کردند؛ اما این اقدامات نیز توطئه‌ها را متوقف نکرد. اگر سودانی‌ها بر مواضع قبلی خود پافشاری می‌کردند، با وجود استمرار و تشدید فشارها هیچ‌گاه به این اندازه زیان نمی‌دیدند.
زبانی شامل اذ دست‌رفتن نیمی از قلمرو، خارج‌شدن میدان نفتی و معادن طلا از دست دولت مرکزی، جنگ داخلی در غرب و مرکز کشور، آوارگی میلیون‌ها نفر و.. تنها با فریب‌خوردن و عقب‌نشینی‌های سیاسی مقامات سودانی رخ دادند.

مواجه

تغییر پارادایم ایران در برابر آژانس

روز گذشته، مفصل‌ادر مورد عدم پایبندی آژانس به تعهدات خود صحبت کرد و در بخشی از صحبت‌هایش در کنفرانس بین‌المللی حقوق بین‌الملل تحت تهاجم، تجاوز و دفاع به این موضوع اشاره کرد که آژانس علی‌رغم آنکه فشارهای زیادی به ایران وارد می‌کنند، در مقابل تهدیدهای امنیتی علیه فعالیت هسته‌ای و تهدید جان دانشمندان ایران هیچ اقدام حمایتی‌ای انجام نداده و نکته عجیب‌تر آنکه رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در گفت‌وگو با رسانه‌های خارجی به جای ابراز نگرانی در مورد هدف قرار دادن فعالیت هسته‌ای بیشتر دغدغه‌اش این بود که مواد غنی‌شده اورانیوم ایران کجا قرار دارد و به این موضوع تأکید داشت که فعالیت غنی‌سازی ایران در حال حاضر متوقف شده است.

لزوم تعریف مدالیته جدید

درنظرگرفتن همین بدعهدی‌هایی که آژانس علیه فعالیت هسته‌ای ایران انجام داده، کافی بود تا ایران سازوکار همکاری با آژانس را تغییر دهد.
باین حال با اصرار کشورهای اروپایی مخصوصاً فرانسه، ایران قرارداد قاوه را با آژانس امضا کرد تا در سازوکاری جدید و به‌صورت مشروط، اجازه بازرسی از تأسیسات هدف قرار گرفته شده داده شود؛ اما از آنجاکه شروط ایران اجرایی نشد و اسنپ‌ک هم فعال شد، عملاً اجرای این توافق هم ملغی شد. آژانس اما همچنان به‌عنوان اهرم فشار اروپایی‌ها

دکترین اشغال در بحران

از بامداد روز یکشنبه آسمان بیروت و به‌ویژه منطقه ضاحیه جنوبی ششاهد افزایش چشمگیر پروازهای شناسایی و تهاجمی پهپادهای اسرائیلی است. این پروازها که گاهی در ارتفاع بسیار پایین انجام می‌شود، نه‌تنها نقض مکرر حاکمیت لبنان به شمار می‌رود، بلکه نشانه‌ای آشکار از ورود رژیم اسرائیل به فاز عملیاتی برنامه‌ریزی‌شده برای جنگ احتمالی است.

هم‌زمان با این تحركات نظامی جنبش شهرک‌سازی صهیونیستی «اوری ترفون» نقشه‌ای منتشر کرده که در آن زمین‌های وسیعی در جنوب لبنان تا رودخانه لیتانی به‌عنوان «مناطق هدف برای جذب سرمایه‌گذاری شهری» معرفی شده‌اند. این نقشه همان مناطقی را شامل می‌شود که اسرائیل از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۱ اشغال کرده بود. این شباهت معنادار یادآور یک الگوی واحد اشغال در لبنان، سوریه و غزه است. ابتدا تخریب و آوارگی در دستور کار قرار گرفته و سپس اعلام مالکیت و تغییر بافت جمعیتی اجرا می‌شود.

۳- پروازهای مرموز فلسطینی‌ها به آفریقای جنوبی؛ سند جدید پاک‌سازی قومی در جبهه فلسطین
نشانه‌های جدیدی از اجرای برنامه‌ای سازمان‌یافته برای مهاجرت اجباری یا به عبارت دقیق‌تر «انتقال اجباری» فلسطینی‌ها مشاهده می‌شود. خبرگزاری آناتولی در گزارشی مفصل فاش کرد طی هفته‌های اخیر چندین پرواز چارتر حامل صدها فلسطینی از مبدأهای نامعلوم در مصر و اردن به سمت آفریقای جنوبی انجام شده است. اولین پرواز با ۱۷۶ مسافر در اواخر اکتبر وارد فرودگاه ژوهانسبورگ شد و پرواز دوم که از نایروبی کنیا می‌آمد، به دلیل فقدان مدارک معتبر ابتدا با مانعت «سازمان مدیریت مرزی» آفریقای جنوبی مواجه شد و تنها پس از دخالت مستقیم سیریل رامافوسا، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی اجازه ورود یافت. بسیاری از مسافران خود نمی‌دانستند مقصد نهایی‌شان کجاست؛ برخی بلیت هتل در بمبئی یا کوالالامپور داشتند و برخی دیگر اصلاً اطلاعی از مسیر نداشتند. فعالان حقوق بشر آفریقای جنوبی این اقدام را «طرح اسرائیلی برای پاک‌سازی قومی غزه با پوشش بشردوستانه» توصیف کرده‌اند. این در حالی است که اسفندماه سال گذشته اخباری منتشر شد مبنی بر اینکه وزارت خارجه اسرائیل در حال مذاکره با چندین کشور آفریقای و آمریکای لاتین برای پذیرش فلسطینیان بیرون‌رانده‌شده از غزه است.

استراتژی «منفعت در بحران» الگویی تکرار شونده برای توسعه قلمرو

با مشاهده رفتار اشغالگرانه اسرائیل، الگویی کاملاً مشخص پدیدار می‌شود که می‌توان آن را استراتژی «منفعت در بحران» نامید. ابتدا اسرائیل یک بحران برای کشورهای منطقه درست کرده و یا به یک بحران داخلی دامن زده و سپس با ادعای «دفاع از امنیت»، مداخلات نظامی را گسترش می‌دهد. این رژیم پس از آنکه بخش‌هایی از خاک کشورهای منطقه را تحت عنوان ایجاد «منطقه حائل امنیتی» اشغال می‌کند به سمت اجرای برنامه‌های بلندمدت شهرک‌سازی و تغییر بافت جمعیتی می‌رود.

نمونه بارز این استراتژی اشغال بلندی‌های جولان پس از سقوط بشار اسد و روی کار آمدن دولت جولانی است. اسرائیل ابتدا با ادعای «حمایت از جامعه دروزی» وارد منطقه شد، سپس حضور خود را دائمی کرد و اکنون عملاً بلندی‌های جولان سوریه را نیز به کنترل کامل درآورده است. در لبنان نیز همین الگو در حال تکرار است. افزایش پروازهای پهپادی، انتشار نقشه‌های شهرک‌سازی و مانورهای نظامی گسترده، همه حاکی از آن است که اسرائیل در حال برنامه‌ریزی برای ایجاد بحرانی است که به او اجازه دهد عملیات حزب الله و عقب‌نشینی تا رودخانه لیتانی را خواهد بود؛ اما هدف واقعی ایجاد یک کمر بند امنیتی – شهرکی عمیق تا عمق ۳۰-۴۰ کیلومتری خاک لبنان است.

اشغالگر آزاد

آتچه در ماجرای اشغال عجیب است الگوی رفتاری اسرائیل نیست، بلکه سکوت کامل نهادهای بین‌المللی است. شورای امنیت سازمان ملل هیچ واکنشی به این رفتار اشغالگرانه ندارد. اتحادیه اروپا که بارها از «حق دفاع اسرائیل» سخن گفته، در برابر اشغال جدید بلندی‌های جولان سوریه و پروازهای نقض‌کننده حریم هوایی لبنان سکوت کرده است. ایالات متحده نیز نه‌تنها مانع این اقدامات نمی‌شود، بلکه با تأمین تسلیحات پیشرفته و وتو کردن هر قطعنامه احتمالی، عملاً چرخ‌عسز نشان داده است. ترامپ حتی شخصاً برای اسکان فلسطینیان در کشورهای آفریقا وارد مذاکره با رؤسای جمهور این کشورها شده است. این رویکرد پیام روشنی به اسرائیل می‌دهد: «هر مقدار که بخواهید می‌توانید مرزهای خود را گسترش دهید، هیچ هزینه‌ای نخواهید پرداخت.» در چنین فضایی تنها اهرم بازدارنده کشورها تکیه به اهرم‌های داخلی مقاومت است که آمریکا برای مهار این اهرم نیز وارد فاز فشار سیاسی و اقتصادی به کشورها شده و از آن‌ها می‌خواهد تا خود را در مقابل اشغالگر خلع سلاح کنند.

مقاومت؛ تنها مانع تکمیل پازل اشغالگری

با درز پیداکردن نقشه اشغال لبنان اکنون صحنه عینی‌تری پیش روی نیروهای سیاسی لبنان قرار دارد. بخشی از طبقه سیاسی که به بهانه «کسب رضایت آمریکا» و «جلوگیری از جنگ» بر طبل خلع سلاح حزب الله می‌کوبند دچار ساده‌انگاری شده و این تجربه تاریخی در مقابل اسرائیل را نادیده می‌گیرند که چشم‌پوشی نه‌تنها پایان جنگ نیست، بلکه آغاز مرحله جدیدی از اشغال و آوارگی خواهد بود؟ تجربه غزه و سوریه نشان می‌دهد که هیچ تضمینی از سوی اسرائیل یا حامیانش برای توقف تنش و پایان اشغالگری وجود ندارد و تنها مانع واقعی در برابر اشغالگری مقاومت سازمان‌یافته و آگاه است. اسرائیل در شرایطی که با هیچ قدرت منطقه‌ای درگیر جنگ تمام‌عیار نیست، در هر سه جبهه لبنان، سوریه و فلسطین در حال اجرای برنامه توسعه قلمرو و پاک‌سازی قومی است. پروازهای پهپادی بر فراز بیروت، نقشه‌های شهرک‌سازی در جنوب لبنان، تحت اشغال نگه‌داشتن بخش‌هایی از جولان سوریه و پروازهای مرموز انتقال فلسطینی‌ها به آفریقای جنوبی، همه اجزای یک پازل واحد هستند. این پازل همان نقشه اشغالگرانه اسرائیل بزرگ است که نهادهای بین‌المللی خود را در برابر آن به ناپیایی مطلق زده‌اند.

فرهنگ نخبگان

فرهنگ نخبگان

